[199] أي اهل كوفه ديروز كسى از شما جدا شد كه تيرى بود از تيرهاى الهى، كوبندهء دشمنان أو، درهم كوبندهء بدكاران قريش بود، همواره آنان را تحت اختيار داشته واز أو در وحشت بودند، در مورد اوامر الهى مورد ملامت قرار نگرفته واز مال خدا چيزى را به سرقت نمى برد، واز جنگ با دشمنان خدا فرار نمى كرد، تمامى قرآن به أو داده شده، أو را خواند اجابت نمود، أو را راهبرى كرد تبعيت نمود، در كارهاى الهى از ملامت ملامت گران نمى هراسيد، پس درود ورحمت الهى بر أو باد. (31) خطبهء آن حضرت در شناخت خودش روايت شده: هنگاميكه معاويه به كوفه آمد، چند روز در آنجا ماند، هنگاميكه مراسم بيعتش تمام شد بالاى منبر رفت وبراى مردم خطبه خواند وامير المؤمنين وامام حسن عليهما السلام را نام برده وآنان را دشنام داد، امام حسين عليه السلام حاضر بود، خواست برخيزد وپاسخ گويد، امام حسن عليه السلام دست ايشان را گرفت وآن حضرت را نشانيد وخود برخاست وفرمود: أي آنكه نام على را مى برى، من حسن هستم وپسر أو مى باشم، وتو معاويه أي وپدرت صخر است، ومادرم فاطمه ومادرت هند، وجدم _____